

اعتصاب مداوم کارگران شهرداری مریوان

صفحه ۲

نسان نودینیان



قاسم سلیمانی فرمانده منفور سپاه قدس کشته شد

حزب کمونیست کارگری ایران

در ساعات اولیه بامداد روز جمعه ۱۳ دیماه قاسم سلیمانی به همراه شماری از فرماندهان اصلی نیروهای سپاه قدس و حشد الشعبی و کتائب حزب الله از جمله فرمانده اصلی کتائب بنام ابومهدی المهندس در اثر يك حمله نظامی در نزدیکی فرودگاه بغداد به قتل رسیدند. این حمله توسط پهپادهای آمریکائی صورت گرفت و ادامه تقابل و کشاکشی است که از روزهای گذشته میان نیروهای آمریکائی و جمهوری اسلامی در عراق جریان داشته است. قتل قاسم سلیمانی که فرمانده مطلق العنان سپاه قدس و از قدرتمندترین فرماندهان سپاه پاسداران بود ضربه مهلکی به جمهوری اسلامی در ایران، در منطقه و بویژه در عراق است. سلیمانی از جنایتکارترین تروریستهای حکومت اسلامی بود و نقش بارزی در سازماندهی گروههای آدمکش و جنایتکار در سوریه و یمن و بویژه در عراق داشت. او معمار و سازمانده حشد الشعبی و دیگر دار و دسته های اسلامی در عراق بود و عملاً سرکوب مردم بیخاسته عراق را فرماندهی میکرد. قتل او بدون شک مردم عراق و ایران را که از کل جمهوری اسلامی منزجرند و در حال جدال هرروزه با این حکومت و مزدوراننش هستند، بسیار

خوشحال خواهد کرد. مردم ایران با شادی مردم عراق، که بعد از این واقعه در خیابانهای بغداد به رقص و پایکوبی پرداختند، شریک هستند.

در پی قتل قاسم سلیمانی بی شک تلاش جمهوری اسلامی برای دامن زدن به درگیری نظامی میان نیروهای اسلامی و ارتش آمریکا در منطقه و بویژه در عراق تشدید خواهد شد. اما مردم بیخاسته عراق و قدرت التحریر که فی الحال دولت در حال زوال عراق را با بحران و بن بست کامل سیاسی روبرو ساخته است، اجازه نخواهند داد تلاشهای جنگی جمهوری اسلامی بجائی برسد. نهایتاً قربانی این تلاشها خود جمهوری اسلامی خواهد بود.

تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران و برای اخراج جمهوری اسلامی از عراق، که یک خواست اصلی و اعلام شده التحریر است، پاسخ اصلی مردم به رجزخوانیهای سران جمهوری اسلامی برای نظامی کردن و امنیتی کردن فضای جامعه و راه مقابله با خطرات کشاکش میان تروریسم اسلامی و میلیتاریسم آمریکائی است.

پیروز باد انقلاب مردم عراق سرنگون باد جمهوری اسلامی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ دی ۱۳۹۸
۳ ژانویه ۲۰۲۰

پیام مینا احدی سخنگوی حزب کمونیست کارگری
خبر ترور قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس
از رهبران حشدالشعبی در عراق
یک واقعه مهم برای مردم ایران و عراق و منطقه است.

صفحه ۳

مرگ قاسم سلیمانی و عزای مدافعان سلطنت

حسن صالحی

صفحه ۳

قاسم سلیمانی مهره ای در استراتژی بقا بود!

محسن ابراهیمی

صفحه ۴

گرامی باد یاد مادر قائدی از مادران خاوران!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵

به نجات جان هوشمند علیپور برخیزیم.

کمپین نجات هوشمند علیپور

صفحه ۵

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطفی

صفحه ۷

اطلاعیه های خبری حزب

صفحه ۸

یادداشت‌های هفته / عبدل گلپریان

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



نسان نودینیان

فراخوان ما به کارگران شهرداری در کردستان اینست که پیشتاز سازماندهی اعتصاب و شرکت خانواده‌هایشان باشند. حول خواستهای فوری خود از جمله پرداخت بموقع دستمزدها، کوتاه شدن دست پیمانکاران، قراردادهای مستقیم کاری، افزایش سطح دستمزدها به بالای خط فقر هفت میلیون همراه با فراهم شدن امکان تحصیل رایگان برای کودکان و درمان رایگان جمع شوید و این مطالبات را پلاتفرم مبارزه خود قرار دهید. بر محور این خواسته‌ها شوراها هم‌انگهی اعتصاب خود را بر بستر روابطی که از طریق گروه‌های تلگرامی گرد آورده اید ایجاد و اعلام کنید. و با چنین تدارکی بسوی اعتصابات سراسری بروید. به باور من رهبران رادیکال کارگری نقش کلیدی‌ای در پیشبرد مبارزه‌ای متحد و سراسری در چنین ابعادی را دارند و خطاب من به این عزیزان است. با اراده محکم و همبستگی کارگران و خانواده‌هایشان میتوان به این سوگام برداشت. باید به این شرایط بردگی طبقاتی پایان داد.

خانواده های

کارگران شهرداری ها!

تنها راه مبارزه و خلاصی از زندگی مشقتبار، سخت و حقوقهای چندبار زیر خط فقر، حضور فعال شما در اعتصابات و اعتراضات کارگران است. شما را فرامیخوانیم در اعتصابات و اعتراضات شرکت کنید! دوستان و آشنایان و مردم محله و شهر را همراه خودتان به حضور و شرکت فعال در اعتصاب و مبارزه کارگران شهرداری‌ها فرابخوانید. کانالهای میدیای اجتماعی (فیس بوک، تلگرام، اینستاگرام) و تلفن‌های شخصی و روابط عادی را فعالانه بدست بگیرید، نیروی صمیمی و مبارز حمایت از اعتصابات کارگران شهرداری بشوید!

فعالین اجتماعی

در شهرهای کردستان!

شما میتوانید نقش و تاثیرات

تعیین کننده ای برای سازماندهی کارگران شهرداری داشته باشید. حضور شما مهم است. شما میتوانید در جلب حمایت مردم شهر از کارگران شهرداری موثر باشید.

کارگران شهرداری!

خواستهای کارگران شهرداری‌ها در سطح سراسری مشترک است. خواستهای مشترک منشأ زمینی و واقعی سراسری شدن اعتصابات و مبارزات کارگران شهرداری‌ها است. ایجاد شبکه‌های بهم وصل شده و فراهم کردن زمینه‌های نهاد و شورای هم‌انگهی اعتصابات سراسری توسط کارگران شهرداری امری عملی است و در یک قدمی آن قرار داریم. در دو سه سال گذشته ما شاهد اعتصابات سراسری معلمان هستیم که قدرت اعتراض و تاثیر گذاری آنها در فضای مبارزاتی را صدها بار بیشتر کرده است. مادام که خواستهای کارگران شهرداری‌ها در سطح سراسری مشترک است تدارک اعتصابات سراسری از استقبال و موفقیت بالایی برخوردار خواهد کرد. شما با اعضای خانواده هایتان جمع بزرگی هستید. مردم شهرها نیز با شما هستند. آنها را به میدان بیاورید. کلید رسیدن به خواست هایتان اتحاد شما، پیگیری مبارزه و بویژه به میدان آمدن مردم شهر و کارگران سایر مراکز کارگری و خانواده‌های شما هستند و این شما هستید که میتوانید آنها را به میدان بیاورید. تجربه کارگران هپکو اراک، هفت تبه و فولاد اهواز نشان داد که تنها راه جلب همبستگی دیگران، رساندن صدای اعتراضات به سطح شهر و کشاندن اعتراض به میان مردم است.

شما شایسته زندگی انسانی با بالاترین استانداردها هستید.

۱۵ دی ۱۳۹۸

۵ ژانویه ۲۰۲۰

اعتصاب مداوم کارگران شهرداری مریوان

پرداخت نکردن بموقع حقوق‌ها در صدها مرکز تولیدی و کارخانه و شرکت‌های پروژه‌ای چالش روزانه کارگران با جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران و کارفرمایان است.

اعتصاب و اعتراض مداوم و پیگیرانه!

در برابر این شرایط کارگران با اعتصاب و تجمع و با راه پیمایی علیه شرایط مشقتبار معیشت و پایین بودن حقوقهایشان و علیه پرداخت نکردن مزدشان هر روزه در اعتراض و مبارزه اند. دامنه این اعتراضات در بسیاری از مراکز کارگری از سطح کارخانه فراتر رفته و مورد حمایت گرم و فعال خانواده‌های کارگری و مردم شهرها قرار گرفته است. کارگران شهرداری به عنوان یک بخش خدماتی در جامعه خصلت کارشان طوری است که اعتراضشان فوراً مورد توجه جامعه قرار می‌گیرد. دردهای مشترکی مبارزه کارگران شهرداری را به دیگر بخش‌های کارگری و مردم معترض در جامعه وصل میکند و بدون شک اعتراضات آنان با حمایت وسیع مردم روبرو خواهد شد.

کارگران شهرداری مریوان!

کارگران شهرداری ها!

تلاش‌های مبارزاتی شما و اعتصابات مداوم شما نشان از همبستگی و درجه بالایی از اتحاد و همبستگی در میان شماست. در ادامه تلاش‌هایتان برای ادامه قدرتمند تر مبارزاتتان برای جلوگیری از تعرض هر روزه به زندگی و معیشتتان و برای رسیدن به خواسته‌هایتان از جمله پرداخت بموقع دستمزدها و تامین حقوق و مزایای مکفی با استانداردهای زندگی انسان امروز، از اعضای خانواده هایتان دعوت کنید تا در اعتصابات شما شرکت کنند و همگام و در کنار شما باشند. خانواده‌ها خود حلقه اتصال مبارزات شما کارگران با مردم شهر و دوستان و آشنایان و فعالین اجتماعی هستند.

ماه پایه حقوق به این کارگران پرداخت و دوباره حساب شهرداری مریوان بسته شد. کارگران می‌گویند: هیچ راهی برای احقاق حق و تامین معاش نداریم؛ جز کولبری چه کنیم؟!

وضعیت کارگران شهرداری‌ها در سطح سراسری و در کردستان همسان است.

وضعیت کارگران شهرداری‌ها در سطح سراسری و در کردستان همسان است. حقوقهایشان پرداخت نمیشود. ایمنی و موقعیت شغلی پایداری ندارند. کارگران شهرداری یک بخش معترض کارگری در شهرهای کردستان و در سراسر ایرانند. اعتراض علیه پرداخت نکردن بموقع دستمزدها، پایین بودن سطح مزد و نیز قراردادهای موقت کاری از طریق عناصر حلقه یگوش شهرداری‌ها تحت عنوان "پیمانکاران" چالش مشترک هزاران کارگر شهرداری در سراسر ایران است. در یکسال گذشته کارگران شهرداری در شهرهای کردستان و دیگر استانها تجمعات اعتراضی بسیاری برپا کرده اند. این اعتراضات راه پیشروی را به کارگران برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری آنان است. میتوان در این بستر شوراها هم‌انگهی اعتصابات را ایجاد کرد. برای اینکار کارگران شهرداری میتوانند استان به استان گروه‌های تلگرامی مبارزاتی خود را ایجاد کنند و از این طریق ارتباط سراسری خود را گسترش داده و به استقبال اعتراضات گسترده‌تر خود بروند.

جمهوری اسلامی نظام حافظ سرمایه‌داران است. نظام استثمار و نظام ضد کارگر و مردم کارکن است. چپاول و دزدی، رانت خواری و فساد ارکان اصلی این نظام ضد کارگر است. پرداخت نکردن حقوق‌ها و پایین بودن حقوق و مزایا تا سطح چند برابری خط فقر منشأ اصلی رابطه جمهوری اسلامی با کارگران و جامعه است. گفتنی است که

سوم دی ماه (۹۸) کارگران شهرداری مریوان در اعتراض به عدم دریافت دستمزد در هشت ماه گذشته، دست از کار کشیدند و سط‌های زباله خالی نشد.

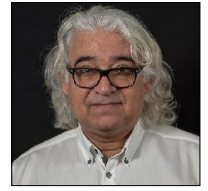
کارگران می‌گویند: هرچه اعتراض کردیم به جایی نرسیده‌ایم، الان هشت ماه است که ما دستمزد نگرفتیم؛ وضع ما از کولبران بدتر است؛ آنها یکبار می‌میرند، ما محکومیم به مرگ تدریجی! نان خالی هم در سفره نداریم! نهم دی ماه اعتصاب کارگران شهرداری مریوان با جمع نکردن زباله‌ها ادامه دارد. چند نفر از آنها به استانداری کردستان رفته‌اند تا صدای اعتراض و اعتصاب ادامه دار بیش از ۶۰۰ کارگر شهرداری مریوان را در مرکز استان به اطلاع مسئولین برسانند. در نتیجه اعتصاب ادامه دار کارگران شهرداری سرپرست شهرداری مریوان گفته است: «تا روز سه شنبه دهم دی حتما بخشی از حقوق عقب مانده کارگران به حساب آنها واریز خواهد شد و در هفته آینده نیز نسبت به پرداخت حقوق و مزایای یک ماه دیگر پرسنل و کارگران اقدام خواهیم کرد و با برطرف شدن محکومیت قضایی شهرداری، کل حقوق و مزایای معوقه براساس قانون پرداخت خواهد شد» عقب نشینی سرپرست شهرداری و وعده‌های پرداخت فوری بخشهایی از مطالبات کارگران شهرداری مریوان نتیجه اعتصاب مداوم و پیگیری‌های آنها است. با وجود عقب نشینی سرپرست شهرداری مریوان، اما کارگران باید کماکان تا رسیدن به تمامی مطالباتشان اعتراض و اعتصاب را ادامه دهند.

سوم دی ماه کارگران شهرداری مریوان می‌گویند در این شرایط چاره‌ای جز کولبری نداریم. کارگران می‌گویند: همکاران ما که هفت ماه دستمزد پرداخت نشده دارند، مجبور شده‌اند برای تامین هزینه‌های زندگی به کولبری پناه بیاورند. پس از وعده استانداری کردستان مبنی بر پرداخت هشت ماه معوقات مزدی کارگران شهرداری مریوان، فقط یک

پیش به سوی ایجاد شوراها کارگری

مرگ قاسم سلیمانی و عزای مدافعان سلطنت

حسن صالحی



بپوشاند. همان کسی که بهمراه دیگر برادران سپاهی اش در جریان حوادث کوی دانشگاه نامه ای به خاتمی نوشت و از به خاک و خون کشاندن کوی دانشگاه سخن گفته بود. اتفاقی که افتاد و در تاریخ جنایات بیشمار این حکومت ثبت شده است.

دفاع مدافعان حکومت سابق از قاسم سلیمانی و یا سکوت پرمعنای رضا پهلوی در مورد کشته شدن این جنایتکار جنگی معنایی جز این ندارد که اینها در سوادی رسیدن به قدرت در آینده ایران بر استفاده از این نیروهای سپاه و سرکوبگر برای مطیع و آرام نگاه داشتن مردم حساب باز کرده اند.

قهرمانان واقعی مردم ایران اما جانین سپاه و فرمانده هان آنها نیستند که دستشان به خون کودکان سوری و معترضین عراقی آغشته است. قهرمانان ما مردم، انسانهایی همچون پویا بختیاری ها هستند که برای انسانیت و آزادی پیاخاستند و توسط اسلاميون حاکم به قتل رسیدند. قهرمانان ما مادران خاوران هستند که نه به دنبال خونخواهی بلکه به دنبال دادخواهی و محاکمه عاملین و آمرین قتل عام فرزندان و عزیزانشان هستند تا اینکه جنایاتی نظیر کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت دوباره در این کشور تکرار نشود.

مردم نباید اجازه دهند که تحت نام دفاع از "وطن" و یا "مهبین پرستی" و "اقتدار ملی" نه جمهوری اسلامی و نه هیچ جریان دیگری در اپوزیسیون این حکومت به تطهیر جنایتکاران حاکم بر ایران بپردازد. تبلیغات کرکننده جمهوری اسلامی و همراهی مدافعان سلطنت با این رژیم دوام چنداین نخواهد یافت. اینها رسواتر و درمانده تر از آن هستند که بتوانند خود را از مهلکه ای که بدان گرفتار آمده اند، خلاص کنند. پاسخ مردم ایران در شرایط کنونی تنها يك چیز است: جمهوری اسلامی باید برود. و این تنها با گسترش مبارزات انقلابی خود مردم میسر خواهد شد.

۶ ژانویه ۲۰۲۰

پیام مینا احدی سخنگوی حزب کمونیست کارگری
خبر ترور قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس از رهبران حشدالشعبی در
عراق یک واقعه مهم برای مردم ایران و عراق و منطقه است.

اسلامی نشات میگیرد.

جمهوری اسلامی ایران با پرونده ای قطور از جنایت و آدم کشی و ترور و ایجاد ناامنی در دنیا مورد نفرت عمومی است و مردم ایران و لبنان و عراق، و بویژه مردم ایران میروند که بقول مردم انقلابی عراق سر اژدهای اسلامی را زیر پا له کنند.

کشته شدن قاسم سلیمانی مهره مهم حکومت اسلامی، يك ضربه به جانینان اسلامی در ایران و منطقه است. کشته شدن قاسم سلیمانی در عین حال و بویژه يك ضربه مهلكه به نفوذ و نقش جمهوری اسلامی ایران در عراق و تشبثات این حکومت در تسلط کامل بر عراق و سرکوب انقلاب توده ای و مدرن جوانان و مردم عراق علیه حکومت عراق است.

مردم ایران که با مشکلات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و سرکوب لجام گسیخته حکومت بعد از اعتراضات آبان ماه دست و پنجه نرم میکنند، طبعاً مخالف هر نوع فضای جنگی و تشبثات و کشمکش جنگ طلبانه بین حکومت اسلامی ایران و دولت امریکا بوده و بدرست اعلام کرده اند که تنها راه پایان دادن به مصایب متعددی که گریبان مردم

قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، بازوی جنایت حکومت اسلامی در منطقه بود. دست قاسم سلیمانی به خون هزاران و هزاران نفر آلوده است. او یکی از چهره های مهم در کشتار و سرکوب مبارزات مردم عراق در چند ماه اخیر است. بی دلیل نیست که در حالیکه مردم عراق در خیابانها از کشته شدن این جنایتکار اسلامی شادی میکنند، حکومت اسلامی ایران امروز جمعه ۱۳ دی ماه بعد از مراسم نمازجمعه، راهپیمایی های حکومتی سازمان داده و از زبان سران این حکومت از جمله خامنه ای و روحانی از انتقام گیری و ترور در دنیا و از پاسخ نیروهای تروریست اسلامی در عراق حرف زده و رجزخوانی جنگی میکنند.

واقعیست اینست که دنیا بدون قاسم سلیمانی ها و ابومهدی المهندس ها، دنیا بدون تروریستهای اسلامی، دنیای امن تری است.

واقعیست مهمتر اینست که جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ایران در سراسر سقوت است و این امر مهم اساساً بدلیل اعتراضات مردم در ایران و در عراق و در لبنان و از نفرت میلیونی مردم در سراسر دنیا علیه تروریسم

ایران را گرفته، سرنگون کردن حکومت اسلامی ایران به قدرت انقلاب و مبارزات توده ای مردم ایران است.

مردم ایران و عراق باید متحدانه دست در دست هم داده و برای پایان دادن به عمر تروریستهای اسلامی و سازمانهای سرکوبگر اسلامی به مبارزات خود تداوم و قدرت بیشتری ببخشند. و مردم ایران با سرنگون کردن حکومت جنایتکار اسلامی و دستگیری و محاکمه سران این حکومت به جرم جنایت علیه بشریت دنیای بهتری را در ایران و عراق و منطقه و در همه جا بسازند.

زنده باد مبارزات مردم عراق و ایران علیه تروریسم اسلامی
سرنگون باد
حکومت اسلامی ایران
۱۳ دی ۱۳۹۸
(۳ ژانویه ۲۰۲۰)

مردم ایران و عراق باید متحدانه دست در دست هم داده و برای پایان دادن به عمر تروریستهای اسلامی و سازمانهای سرکوبگر اسلامی به مبارزات خود تداوم و قدرت بیشتری ببخشند. و مردم ایران با سرنگون کردن حکومت جنایتکار اسلامی و دستگیری و محاکمه سران این حکومت به جرم جنایت علیه بشریت دنیای بهتری را در ایران و عراق و منطقه و در همه جا بسازند.

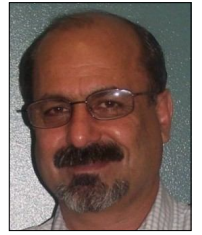


کلید پیشروی و پیروزی تحزب و سازمانیابی و سازماندهی حزبی است. به حزب مقابله با کل دستگاه چپاول و سرکوب جمهوری اسلامی، به حزب انقلاب و رهائی، به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.

برای تماس با حزب، ارسال خبر و گزارش، همکاری و عضویت می توانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

شماره تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۴۲
ای میل: tamas.wpi@gmail.com
تلگرام: @sazmande

قاسم سلیمانی مهره ای در استراتژی بقا بود! (۱) محسن ابراهیمی



هدف دولت آمریکا از کشتن قاسم سلیمانی هر چه باشد، کشته شدن او برای حکومت اسلامی، ضربه ای به یک حلقه مهم در زنجیر بقاست. در استراتژی بقای حکومت اسلامی است.

حکومت اسلامی سالهاست که برای برای گسترش قلمرو نفوذش در منطقه و ظاهر شدن به عنوان یک قدرت منطقه ای سرمایه گذاری نجومی کرده است. ظاهر شدن به مثابه یک قدرت منطقه ای جایگاه مهمی در استراتژی بقای سیاسی این حکومت داشته و دارد. یک حکومت قدرتمند در منطقه قرار است به یک حکومت در حال احتضار در داخل کمک کند. نیرومند شدن نظامی در خارج، قرار است ضعف و سیاسی در داخل را جبران کند. ثبات نظامی در خارج قرار است تزلزل سیاسی در داخل را جبران کند.

از نظر جمهوری اسلامی، عراق و سوریه جغرافیای مناسب و اصلی پیشبرد این استراتژی بقای سیاسی در داخل بوده اند. هر دو به این خاطر که به علت از هم گسیخته شدن ساختار سیاسیشان به زمین مساعدی برای ابراز وجود دسته های قومی و مذهبی، مخصوصا جمهوری اسلامی تبدیل شدند. بیدلیل نیست که هم مقابله با قیام مردم سوریه برای سرنگونی حکومت بشار اسد و هم سرکوب قیام مردم عراق علیه حکومت فاسد برای حکومت اسلامی جایگاه بسیار مهمی داشت و دارد.

به این اعتبار سئوالی که با کشته شدن قاسم سلیمانی در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد این است: چه کار باید کرد که این ضربه محکم به حلقه مهمی از استراتژی بقا را خنثی کرد؟ واکنشهای تاکتونی سران حکومت اسلامی که ترکیبی از رجزخوانی و گنده گویی و تردید و ابهام و تناقض گویی و سرگیجگی است، نشان میدهد که پاسخ سراسرستی برای این معضل ندارند و نمیتوانند داشته باشند.

موانع زیادی در مقابل حکومت اسلامی است که این ضربه را جبران کند. به این در یادداشتی دیگر میپردازم. اما جنبش سرنگونی انقلابی باید و میتواند شکستن یک حلقه مهم از زنجیری که جمهوری اسلامی به آن آویزان بوده است را به فرصتی برای شکستن حلقه های دیگر این زنجیر بکند و این حکومت را به قعر نابودی پرتاب کند.

۵ ژانویه ۲۰۲۰ - ۱۵ دی ۱۳۹۸

قاسم سلیمانی "آسمانی" شد؛ خامنه ای آچمز! (۲)

بعد از "آسمانی" شدن قاسم سلیمانی حکومت اسلامی در زمین آچمز شده است!

سران حکومت اسلامی که در اثر ناگهانی بودن و شدت بالای ضربه سرگیجه گرفته اند، در میان سخنانی که بیشتر به هذیان شبیه است "انتقامی سخت" را وعده میدهند!

میگویند آمریکا درخواست کرده در همان سطحی ضربه بزنند که آمریکا زده است (جانشین فرمنده سپاه)؛ ضربه محکمی خواهند زد اما عجله ای نیست؛ و این وسط البته نیروهای ترویسث نیابتی شان راکت پراکنی پراکنده شان در عراق را شروع کرده اند و ظاهرا دنبال اجرای قصاص این بار در سطح جهان هستند!

یک چیز روشن است. کشته شدن قاسم سلیمانی آنهم همراه با نزدیک به یک دوجین فرماندهان باندهای تروریست اسلامی

ضربه ای تکان دهنده به چهره نظامی - امنیتی و به این اعتبار، "اقتدار نظامی" منطقه ای جمهوری اسلامی بود. این "اقتدار نظامی" برای حفظ قدرت سیاسی در ایران حیاتی بود و به این اعتبار بازیابی آن هم حیاتی است!

اما تناقضات زیادی و موانع زیادی در مقابل این "انتقام سخت" وجود دارند که مهمترینش اتفاقا همان بقای سیاسی جمهوری اسلامی است. حکومتی که سالهاست برای بقای سیاسی، سیاسی، با یک دستش پرچم "مرگ بر آمریکا" بلند کرده و دست دیگرش را برای "مذاکره" با "شیطان بزرگ" دراز کرده است، امروز بعد از نوش جان کردن سیلی محکمی از "شیطان بزرگ" سرش به دوار افتاده است و نمیداند در شرایط جدید همان شعبده بازی تکراری با دو دست را چگونه پیش ببرد. اگر "انتقام سخت" نگیرد، آبروی نداشتته اش و به این اعتبار "اقتدار نظامی" در میان گله گسترده ای از مزدورانش اسلامیش در منطقه به خطر میافتد و خود این زیر پایش را خالیتر میکند و اگر در فکر "انتقامی سخت" باشد (که موانع زیادی دستش را می بندد) با انتقامی سختتر ضربه ای حتی محکتر میخورد و به طور کامل فرو می باشد.

جمهوری اسلامی در موقعیت بسیار بدی قرار گرفته است. حذف قاسم سلیمانی، دست راست خامنه ای، مهره اصلی سازمان دادن باندهای ترویسث اسلامی در منطقه، موقعیت نیروها در منطقه را دگرگون کرده است و در شطرنج سیاسی - نظامی منطقه جمهوری اسلامی را آچمز کرده است. اگر چه آچمز نسبی و نه آچمز مطلق. جمهوری اسلامی هر طور مهره هایش را تکان دهد، ولی فقیه و بارگاه اسلامیش در موقعیت خطرناکتر از گذشته قرار خواهند گرفت.

با توجه به این موقعیت جدید آیا خطر جنگ جدی است؟ اوضاع به سرعت به طرف جنگ پیش می رود.؟ این سئوال مهمی است که باید جداگانه به آن پرداخت.

۵ ژانویه ۲۰۲۰ - ۱۵ دی ۱۳۹۸

تشییع جنازه ای فاشیستی: از فرمانده گشتاپو تا فرمانده قدس! (۲)

راینهارت هایدریش از بالاترین مسئولان اس اس و فرمانده گشتاپو بود. او نقش برجسته ای در هولوکاست داشت و به "قصاب پراگ" مشهور بود. هیتلر به او لقب "مردی با قلب آهنین" داده بود. و وقتی این جنایتکار توسط پارتیزانهای چک به درک واصل شد؛ هیتلر بزرگترین نشان افتخار آلمان نازی را بر تابوتش نصب کرد و دستگاه پروپاگاندای نازیها برای او تشییع جنازه بزرگی سازمان داد. تشییع جنازه ای بسیار بزرگتر از آنچه دستگاه پروپاگاندای حکومت اسلامی برای قاسم سلیمانی سازمان داده است.

هایدریش نقش مهمی در تشییع ایدئولوژی فاشیستی و حفظ قدرت نازیها ایفا کرده بود. آن تشییع جنازه قرار بود از هایدریش اسطوره ای بسازد، اسطوره ای که زیر سایه سنگینش، بعد از نابودی جسم "قصاب پراگ"، روحش برای بقای فاشیسم و نازیسم نقش بازی کند.

اما سه سال بعد از مرگ هایدریش، نه تنها حتی از جسم خودش در گورش خبری نبود بلکه جسم و جان و روح فاشیسم هیتلری همراه با خود هیتلر در پناهگاهش به زباله دان ریخته شد!

حکومت اسلامی بیست سال تمام کرور کرور پول و اسلحه و مزدور به پای فرمانده قدس ریخته بود تا بتواند بر روی جنازه های مردم لبنان و سوریه و عراق برای اسلام سیاسی در حال

احتضار "هلال شیعی" بسازد. و قاسم سلیمانی برای تحقق این هدف با قساوت تمام در سرکوب مردم منطقه مخصوصا سوریه نقش ایفا کرده بود.

قابل انتظار بود. حالا که قصاب سوریه به آرزوی همیشگی اش که نوشیدن شربت شهادت در عراق - ولو از دست شیطان بزرگ - نصیب شد، حکومت اسلامی دستگاه تبلیغاتی و همه امکانات لشکری و کشوری را به راه انداخت تا تشییع جنازه ای بزرگ سازمان دهد. تشییع جنازه ای که قبل از آمریکا مردمی را برترساند که همین دو ماه پیش قاسم سلیمانی گله های چاقوکش حشدالشعبی را برای سرکوبشان به خوزستان ریخته بود. تشییع جنازه ای که روح قصاب سوریه را همچون روح قصاب پراگ در خدمت بقای جسم پوک حکومت اسلامی قرار دهد!

سه روز عزای عمومی، تعطیلی مدارس، بسیج گله مداحان و امامان جمعه برای دست بردن به درام خرافی حسین مظلوم و تحریک عواطف خرافی، تکرار داستان پوچی که اگر قاسم در عراق نبود ابویکر وارد ایران میشد، گریه های مظلومانه از ولی فقیه گرفته تا قاضی القضااتی که از پوزه اش خون میچکد، همه و همه زمینه ای بودند تا حکومت اسلامی در چند شهر بزرگ برای جنازه قصاب سوریه نمایش محبوبیت و برای خودش نمایش قدرت راه بیاندازد.

نتیجه: در چند شهر بزرگ در روزهای مختلف مراسم راه انداختند. در روزهای مختلف چون می بایست گله های سینه زن را مثلا از مشهد روز بعد به چراگاه مصلائی تهران بیاورند. و به این ترتیب، جمهوری اسلامی با حضور جمعیتهای کرایه ای، ساندیس خورهای اسلامی، عقب مانده های خرافاتی، شاید حتی احمقهایی که باور کرده اند حاج قاسم خودش یک رامبوی اسلامی است، رمه بزرگی از آقازاده ها و سهامداران بزرگ و کوچک شرک سهامی چپاول به نام جمهوری اسلامی و بالاخره ابواب جمعی بزرگی از نیروهای انتظامی و امنیتی و پاسداران و بسیجیها البته این بار با لباسهای شخصیشان، چند نمایش فاشیستی - اسلامی بزرگ برای نسخه اسلامی - ایرانی "قصاب پراگ" راه انداخت.

بگذارید ژورنالیستها و گزارشگران الجزیره و بی بی سی و انواع و اقسام رسانه های سر به دولتها بعضا به خاطر حماقت ژورنالیستی، بعضا به خاطر نگاه وارونه و ایدئولوژیک خودشان و بعضا شاید به خاطر حفظ شغلهشان برای انعکاس این مراسمها با عناوینی مثل "محبوبیت ژنرال"، "سیل جمعیت" و "همبستگی ملی" حول یک قاتل اسلامی پای همدیگر را لگد کنند، اما اکثریت مردم محروم و ستمدیده ایران که در فاصله دو سال دو قیام بزرگ در بیش از ۳۰۰ شهر برای رها شدن از جمهوری اسلامی دست زدند، خوب میدانند که حتی ده تا تشییع جنازه دولتی - اسلامی - فاشیستی روی هم نمی تواند انگشت کوچک تشییع جنازه پیکر منفور جمهوری اسلامی باشد که یک جامعه جان به لب رسیده ۸۰ میلیونی تدارکش را می بیند! قیام آبان میخ بزرگ دیگری بود بر تابوتی که در چنین تشییع جنازه بزرگی به گور سپرده خواهد شد.

۶ ژانویه ۲۰۲۰ - ۱۶ دی ۱۳۹۸



گرامی باد مادر قاندى از مادران خاوران!



حاجیه سجودی مشهور به "مادر قاندى" مادر جواد و صادق قاندى که در سال های ۶۱ و ۶۲ توسط حکومت اسلامی اعدام شدند، و مادر مرسته قاندى که سالهای طولانی را در زندان و تحت شکنجه گذراند روز دهم دیماه ۹۸ در سن ۸۹ سالگی درگذشت. علاوه بر جواد و صادق، جمهوری اسلامی منیرالسادات هاشمی همسر جواد را نیز همزمان با جواد اعدام کرد و داغ سنگینی بر دل حاجیه سجودی و سایر بستگان این خانواده گذاشت.

مادر قاندى عزیز از چهره های سرشناس "مادران خاوران" بود و با توجه به جسارت و نفوذی که در میان خانواده ها داشت نقش مهمی در دادخواهی خانواده های اعدامی دهه شصت ایفا کرد. با تلاش این مادران خاوران به سبیل يك جنبش پایدار ضد اعدام و ضد جمهوری اسلامی تبدیل شد.

مادران هزاران نفر از کمونیست ها و مخالفین جمهوری اسلامی، که در دهه شصت توسط جلدان اسلامی شکنجه و اعدام شدند، در چند دهه گذشته یکی از سبیل های مقاومت علیه حکومت اسلامی و خاری در چشم این حکومت بوده اند. جمهوری اسلامی هزاران عزیز مردم را در دهه شصت اعدام کرد تا حکومت منحوس خود را سر پا نگهدارد. جانبختگان را در گورهای بی نام و نشان دفن کرد و تلاش کرد تا خانواده های آنها را مرعوب کند و به سکوت بکشاند تا ابعاد جنایت عظیم خود را مخفی نگهدارد.

خانواده های جانبختگان و بویژه مادران آنها نقش موثری در یافتن حقایق مربوط به شکنجه و قتل زندانیان سیاسی، افشای دست اندرکاران و آمران اصلی اعدام ها، اعضای "کمیته مرگ" و شکنجه گران و اعدام کنندگان و محل دفن

فرزندان خود داشتند. خاوران را که محل دفن مخفیانه عزیزانشان بود، علیرغم سببیت حکومت و موانعی که هر روز و هر سال مقابل آنها میگذاشت، به محل تجمعات هر ساله خود تبدیل کردند، در آنجا گل کاشتند و قبر عزیزانشان را گلباران کردند، آنرا از يك محل بی نام و نشان به میعادگاه هزاران خانواده در سراسر کشور تبدیل کردند. هر سال در خاوران تجمع کردند و در مقابل چشم سرکوبگران سرودهای انقلابی خواندند و جنبش دادخواهی مادران را شکل دادند.

مادر قاندى نقش مهمی در شکل گیری این جنبش و کارزار محاکمه سران حکومت بدلیل نسل کشی در دهه شصت ایفا کرد و از جمله مادرانی بود که در بیانیه شجاعانه ای در دیماه امسال علیه "مستولان جنایتکار حکومت اسلامی و وقاحت و بیشرمی آنها"، کشتار و سرکوب مردم در آبان ماه را محکوم کردند، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان و خانواده های جانباخته شدند و از تمامی مردم ایران و جهان خواستند که فریاد دادخواهی مردم را بلند کنند.

حزب کمونیست کارگری درگذشت مادر قاندى را به مرسته قاندى عزیز، محمود قاندى عزیز و سایر بستگان آنها و همچنین کلیه مادران و خانواده های جانبختگان صمیمانه تسلیت میگوید و یاد او را همراه با یاد کلیه جانبختگان راه آزادی و انسانیت گرامی میدارد. آن روز که حکومت ننگ و جنایت اسلامی توسط انقلاب آزادیخواهانه مردم به زباله دان تاریخ سپرده شود دور نیست.

گرامی باد
یاد عزیز حاجیه سجودی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ دیماه ۱۳۹۸
۱ ژانویه ۲۰۲۰

به نجات جان هوشمند علیپور برخیزیم.



روز جمعه ۱۲ مرداد ۱۳۹۷ (۳ اوت ۲۰۱۸) دو فعال سیاسی کرد بنامهای هوشمند علیپور و محمد استاد قادر در حوالی شهر سقز دستگیر شدند. آنها پس از دستگیری به زندان بانه و زندان اطلاعات سنندج و زندان مرکزی سقز و دوباره به زندان سنندج منتقل شدند. این دو تن تا حدود سه ماه هیچگونه امکان تماسی با خانواده های خود نداشتند و از داشتن وکیل اختیاری محروم بودند. چهار روز پس از دستگیری یعنی در ۱۶ مرداد ۱۳۹۷ (۷ اوت ۲۰۱۸) از تلویزیون جمهوری اسلامی برنامه ای پخش شد که این دو فعال سیاسی به نقش خود در حمله به يك پایگاه امنیتی واقع در سقز "اعتراف" می کردند. اعترافاتی که زیر شکنجه از زندانیان گرفته می شود. در سپتامبر ۲۰۱۸ سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای در واکنش به بازداشت این شهروندان و پخش اعترافات آن ها علیه خود در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کرد.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات این دو فعال سیاسی در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۸ (۳۱ اکتبر ۲۰۱۹) برگزار شد. روز یکشنبه ۸ دی ماه ۱۳۹۸ (۲۹ دسامبر ۲۰۱۹) از سوی دادگاه انقلاب سنندج هوشمند علیپور به اعدام و محمد استاد قادر به ۵ سال زندان محکوم شدند. هوشمند علیپور در حالی به زندان محکوم شده است که مقامات اطلاعاتی رژیم قبلا گفته بودند که هیچیک از این دو زندانی در قتل کسی شرکت نداشته اند. موضوعی که جنبه سیاسی فعالیت آنها را تایید می کند. بنا به اظهارات خانواده این دو فعال سیاسی هدف هوشمند و محمد استاد قادر فعالیت سیاسی و تبلیغاتی در میان مردم بوده است. نفس صدور حکم اعدام برای هوشمند علیپور و حکم زندان برای محمد استاد قادر یعنی دو نفری که به اتهام يك "جرم واحد" دستگیر شده اند گواه این است که محاکمات جمهوری اسلامی به چه اندازه با موازین انسانی مغایرت دارد و تنها با انگیزه های سیاسی صورت می گیرد.

هوشمند علیپور، متولد سردشت، عضو خانواده ای است که از همان آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی در معرض آذیت و آزار فراوان رژیم اسلامی قرار داشته اند.

مصطفی علیپور پدر هوشمند از فعالین سرشناس و خوش نام منطقه سردشت است. او به دلیل فعالیتهايش در دفاع از آزادی و زندگی بهتر برای مردم بارها از سوی جمهوری اسلامی مورد آذیت و آزار و پیگرد قرار داشته

است بطوریکه ایشان در سالهای متفاوت چندین بار به حبس و جریمه نقدی محکوم شده است. مصطفی علیپور می گوید "ما به دلیل اینکه خوشی را برای همه می خواستیم از جمهوری اسلامی ناخوشی زیادی دیدیم و حکومت آرامشی برای خانواده ما باقی نگذاشت". مادر هوشمند، آمنه مولودیان، نیز از فشارها و تهدیدات مکرر جمهوری اسلامی بر خانواده آسیب های زیادی دیده است. عموی هوشمند، حسین علیپور در سال ۱۳۶۲ توسط جمهوری اسلامی اعدام شد. همچنین عموی پدرهوشمند محمد ملاعلی بیژری در سال ۱۳۶۴ توسط عوامل جمهوری اسلامی در کردستان عراق ترور شد. لازم به توضیح است که بیشتر اعضای خانواده هوشمند علیپور بدلیل تحت پیگرد قرار گرفتن از سوی جمهوری اسلامی از ایران خارج شده اند.

حکمی که دادگاه انقلاب سنندج برای هوشمند علیپور صادر کرده است حتی طبق محاکمات مسخره جمهوری اسلامی هیچ تناسبی با "جرم" این فعال سیاسی ندارد. این حکمی علیه خانواده وی می باشد و معنایی جز انتقامجویی از این خانواده مبارز ندارد.

هوشمند علیپور با يك خواهر دوقلو متولد آبان ۱۳۷۲ در شهر سردشت است. او در يك خانواده پرجمعیت به دنیا آمد. پدر و مادر زحمتکش هوشمند با داشتن یازده فرزند سعی می کردند که زندگی خوبی برای آنها فراهم کنند.

هوشمند که شاهد رفتار توهین آمیز و بی حرمتی هر روزه جمهوری اسلامی به خانواده اش بود خشم و کینه زیادی از این همه ظلم و بی عدالتی به دل گرفت. دلش هیچوقت آرام نداشت اگر آرامش را آرزو می کرد. او در سال ۱۳۸۸ زمانی که فقط ۱۶ سال داشت در جریان برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در سردشت دستگیر می شود. خودش در این مورد می گوید:

"مامورین جمهوری اسلامی با گاز اشک آور و باتوم و گاز فلفل به ما حمله کردند و در این هنگام من به زمین افتاده و توسط آنان مورد ضرب و شتم قرار گرفتم و دستگیرشدم. مرا در داخل ماشین خودشان گذاشتند و دست و چشم

بسته با خود به اداره اطلاعات بردند. در آنجا بصورت وحشیانه ای مرا مورد ضرب و شتم و کتک کاری قرار دادند و به من فحاشی می کردند و حرفهای زشت و رکیک می زدند. در حالیکه چشمهایم را بسته بودند اثر انگشتم را بعنوان امضا بر روی برگه هایی می زدند که اصلا نمی دانستم چه هستند. در آنجا به زور اعتراف میکردتند."

هوشمند به چهار سال زندان و ۷۵ ضربه شلاق محکوم می شود. به دلیل اینکه هنوز به سن قانونی نرسیده بود مدتی را در کانون اصلاح تربیت ارومیه گذراند و سپس به بند يك جوانان انتقال داده شد و دوران محکومیت زندان خود را آنجا گذراند ضمن اینکه احکام شلاق در مورد وی به اجرا گذاشته شد.

هوشمند علیپور بعد از آزادی از زندان مرتباً از سوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در رابطه با فعالیت اعضای خانواده اش احضار می شد تا اینکه تصمیم گرفت از ایران فرار کند و به عراق برود. او تقریباً بمدت چهارسال در کردستان عراق بود و در جنگ علیه داعش به مردم کردستان عراق هم کمک کرد بطوریکه حتی چند بار زخمی شد.

او بعد از مدتی همچون بیشتر اعضای خانواده خود به ترکیه می آید و درخواست پناهندگی می کند. پرونده هوشمند علیپور در نزد بخش پناهندگی سازمان ملل در ترکیه ثبت شده است. او مجدداً به عراق بر می گردد تا اینکه در جریان فعالیت آگاهگرانه و سیاسی در میان مردم در کردستان ایران به اتفاق محمد استاد قادر دستگیر می شوند.

جمهوری اسلامی آرزوی های جوانی هوشمند را با شلاق و زندان از او گرفت. اما نباید بگذاریم که جان این جوان راهم بگیرد. از همین رو درخواست ما از همه آزادیخواهان و سازمانهای مدافع حقوق انسان این است که تا آنجا که در توان دارند به نجات هوشمند برخیزند و به خانواده وی برای بازگرداندن هوشمند به آغوش گرم پدر و مادر و خواهران و برادرانش کمک کنند.

کمپین نجات هوشمند علیپور

۶ ژانویه ۲۰۲۰

یادداشت‌های هفته / عبدالکبیریان

طرزهای سوخته جمهوری اسلامی
قادر نخواهد بود قیام مردم عراق را
از مسیر خود منحرف کند.

داستان از آنجا آغاز شد که در پی حمله موشکی جمهوری اسلامی از طریق جریان حشد الشعبی به یک پایگاه نیروهای آمریکایی در شهر کرکوک یک پیمانکار آمریکایی کشته شد. نیروهای آمریکایی نیز در واکنش به این واقعه با راکت و موشک به پایگاههای "کتاب اهل حق" و "حشد الشعبی" وابسته به جمهوری اسلامی حمله کرده که در نتیجه ۲۵ تن از نیروهای کتاب الحق و حشد الشعبی کشته و ۵۵ نفر دیگر زخمی شدند. متعاقب این درگیری نظامی، روز سه شنبه نیروهای حشد الشعبی به سفارت خالی از کارمندان آمریکا در منطقه سبز بغداد حمله کردند که با پاسخ متقابل با گاز اشک آور محافظان ساختمان سفارت روبرو شدند. بعد از شاخ و شانه کشیدنهای خامنه ای و ترامپ طی دو روز گذشته، اکنون فرماندهی حشد الشعبی به نیروهایش دستور داده است که از اطراف سفارت عقب بنشینند و آنان نیز این محل را ترک کرده اند.

از ابتدای شروع این ماجرا که از طرف جمهوری اسلامی آغاز شد، روشن بود که باند های حکومت اسلامی در همکاری با دارودسته حشد الشعبی میکوشند اعتراضات برحق مردم عراق را که پیکر درهم ریخته جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است از مسیر اصلی خود خارج سازند اما مایوس و شکست خورده عقب نشستند.

سازماندهنگان اعتراضات مردمی در عراق پیرامون این واقعه موضع گرفتند و در بیانیه های مختلف اعلام کردند که تجمع جریان حشد الشعبی و کتاب اهل حق در منطقه سبز و در مقابل سفارت آمریکا نه تنها به مبارزات و اعتراضات آنان ربطی ندارد بلکه اساسا این برنامه از سوی جمهوری اسلامی و حشدالشعبی برای به حاشیه راندن اعتراضات مردم عراق طراحی شده است. قیام شکوهمند مردم عراق که تا کنون کل نظام حاکم بر این کشور را با بحران و بن بست غیر قابل علاج روبرو کرده است و در بخشهای جنوبی عراق عملا اداره امور توسط مردم پیش برده میشود، جمهوری اسلامی را دچار سرگیجه کرده است که با چنین طرزه های شکست خورده ای بیش از پیش مورد تنفر و انزجار مردم عراق واقع شده است. از ابتدای اجرای این طرح شکست خورده در روز یکشنبه تا کنون، مردم معترض و قیام کننده در عراق همچنان در میادین و خیابانهای شهرهای عراق تا دست یابی به خواسته هایشان که در راس آنها کنار رفتن حکومت، انحلال پارلمان و خروج کامل نیروهای جمهوری اسلامی از این کشور است ادامه خواهد یافت. طرزه های سوخته جمهوری اسلامی و شاخ و شانه کشیدنهای خامنه ای و ترامپ قادر نخواهد بود که قیام مردم عراق را از مسیر اصلی خود منحرف کند

۱ ژانویه ۲۰۲۰

عجالتا در مورد بازتاب کشته شدن
قاسم سلیمانی

قاسم سلیمانی روز سوم ژانویه در اطراف فرودگاه بغداد توسط نیروهای آمریکایی کشته شد. در روزهای آینده چه تحولاتی در قبال این مسئله پیش خواهد آمد نیازمند یک بررسی جداگانه است که باید مجزا به آن پرداخت. منتها عجالتا مهم نیست سلیمانی توسط کی کشته شده باشد، در یک حمله توسط نیروهای آمریکایی باشد یا با مرگ طبیعی. اما نفس کشته شدن "اقتدار جمهوری اسلامی" برای هر انسان آزاده ای قطعاً خوشحال کننده است.

جمهوری اسلامی برای یک درصدی ها (سپاه، بسیج و آیت الله های مفتخور) سه روز عزای عمومی اعلام کرده است. در مقابل اما ۹۹ درصدی ها در ایران و عراق از این اتفاق خوشحال شدند و قیام کنندگان در عراق کارنوال شادی برپا انداختند.

دنیا بدون سلیمانی ها، بن لادن ها، ملا عمرها، ابوبکر بغدادی ها، خامنه ای ها و بدون اسلام و اسلام سیاسی مکان امن تری برای انسان خواهد بود.

در این نباید کمترین تردیدی داشت که حتی بدون حذف فیزیکی آدمکشان اسلامی، جمهوری اسلامی، مرتجعین حاکم برعراق، حزب الله لبنان و اسلام سیاسی توسط مردم انقلابی در منطقه محکوم به شکست و سرنگونی هستند. خیزش انقلابی مردم عراق، لبنان و ایران این حکم را تضمین خواهند کرد.

سوم ژانویه ۲۰۲۰

یکشنبه پنجم ژانویه در پارلمان عراق،
حشد الشعبی و خروج آمریکا از عراق
انقلاب عراق و شوراها میادین تحریر،
خروج جمهوری اسلامی از عراق

روز یکشنبه پنجم ژانویه در پارلمان عراق و در یک جلسه غیر رسمی مسئله خروج آمریکا از عراق به رای گذاشته شد. طرح این موضوع از طرف حشد الشعبی وابسته به جمهوری اسلامی به میدان کشیده شد و در اصل در رابطه با کشته شدن شدن قاسم سلیمانی، ابو مهدی المهندس و تعداد دیگری از افراد سپاه قدس و حشد الشعبی به موضوعی داغ برای آنان تبدیل شده است. البته این ظاهر ماجرا است و قابل انتظار هم بود که جمهوری اسلامی این مسئله را بعنوان یک انتقام سیاسی در قبال کشته شدن قاسم سلیمانی به موضوع پارلمان عراق تبدیل کند. در پس این ماجرا جمهوری اسلامی میکوشد قضیه کشته شدن قاسم سلیمانی را بهانه ای قرار دهد تا در مقابل میلیونها مردم قیام کننده که بیش از سه ماه است خواهان خروج جمهوری اسلامی از عراق شده اند آنرا به تسویه حساب با دولت آمریکا در عراق تبدیل کند. اما آیا این اقدام از سوی احزاب پارلمانی در عراق ممکن است یا نه؟

تا جاییکه به تنش بالایی ها در پارلمان عراق مربوط است چنین اقدامی ممکن و عملی نخواهد شد. یکی از مهمترین دلایل آن این است که تمامی احزاب پارلمانی در عراق از ابتدای سال ۲۰۰۳ و بعد از سرنگونی رژیم صدام حسین با توافق و مهندسی کارشناسان دولت آمریکا سرهمبندی شدند که سکان امور موزائیکی این کشور را بر اساس، عشیره، قوم، مذهب و غیره تشکیل دهند. دوم اینکه طبق توافقاتی که بین دولت آمریکا و حکومت عراق در سال ۲۰۰۸ امضا شده است، قرار شد نیروهای نظامی آمریکا در عراق حضور داشته باشند و آمریکا در راه اندازی زیرساختهای اقتصادی عراق از جمله صدور نفت و تجارت، دست حکومت عراق را برای غارت هستی مردم باز نگهدارد. سوم اینکه در میان احزاب و فراکسیونهای پارلمانی که با عناوین، سنی، شیعه، کرد و بقیه

ایل و عشایر دیگر در پارلمان نماینده دارند، موضع واحدی برای خروج آمریکا از عراق وجود ندارد. احزاب شیعه طرفدار جمهوری اسلامی بیش از بقیه احزاب روی این مسئله پافشاری میکنند. احزاب دیگر نظیر جریانات سنی و نمایندگان اقلیم کردستان با خروج آمریکا از عراق مخالف هستند و بالاخره جریانات کم نفوذ دیگری در پارلمان عراق میگویند، اگر قرار باشد در پارلمان از طریق رای گیری آمریکا از عراق اخراج شود این مسئله باید شامل حال تمام دولتهای خارجی از جمله جمهوری اسلامی هم بشود.

مبتکر ندای خروج آمریکا از عراق جمهوری اسلامی و جریان حشد الشعبی است که در اصل تحت تاثیر فشارها و اعتراضات بیش از سه ماه اخیر مردم عراق برای بیرون کردن جمهوری اسلامی است. اکنون کشته شدن قاسم سلیمانی به "برکتی جهت انتقام از آمریکا" برای جمهوری اسلامی موضوعیت پیدا کرده است تا انتقام قاسم سلیمانی را که مردم با دم پایی تصاویر او و خامنه ای را در دم می کوییدند از آنان بگیرد. طی ۱۶ سال گذشته هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی در عراق بازیگر اصلی در صحنه سیاسی و اقتصادی عراق بوده اند و طی همین مدت بنحوی از آنها هدیدگر را تحمل کرده اند از اینرو این شاخ و شانه کشیدنها را نباید زیاد جدی گرفت. اما در پایه ای ترین سطح باید گفت که این طرح از طرف جمهوری اسلامی واکنش و پاسخی به مردم انقلابی در عراق است که میخواهند جمهوری اسلامی گوش را همچون قاسم سلیمانی از عراق گم کند. از سوی دیگر در حالی طرح خروج آمریکا از عراق توسط حشد و جمهوری اسلامی به صحن پارلمان پرتاب شده است که دولت و پارلمان عراق حداقل نزدیک به چهارماه است که در میان مردم انقلابی و معترض عراق اعتبار و مشروعیت خود را از دست داده است. نخست وزیر مستعفی عادل عبدالمهدی از سر ماندگی در مقابل اعتراضات هر روزه مردم همچنان در پست خود ناچار شده است بماند چون مردم عراق نه او و نه هیچ فرد دیگری از احزاب حاکم را قبول ندارند. رئیس جمهور برهم صالح نیز کماکان سایه تهدید به استعفا از پست ریاست جمهوری را بدلیل در بن بست قرار گرفتنش در اداره کشور بر بالای سر پارلمان میچرخاند. آنچه که قرار است روز یکشنبه (اگر شرکت نمایندگان در پارلمان به حد نصاب برسد) تکلیف خروج آمریکا از عراق را معلوم کند، بیش از هر چیز به یک نمایش مضحک شبیه است تا یک تصمیم سیاسی در قبال موضوعی جدی و مهم. همین نمایش مضحک نیز نخواهد توانست فعلا غیرممکنی را ممکن سازد. بنظر میرسد نمایش روز یکشنبه در پارلمان کذابی عراق نوعی دلجویی از جمهوری اسلامی باشد که یکی از جنایتکاران جنگی اش در خاک عراق به هلاکت رسیده است و احزاب حاکم بر عراق که هریک بنحوی از آنها افسارشان دست جمهوری اسلامی است، همدردی خود با سران جمهوری اسلامی را اعلام کرده باشند.

فارغ از آنچه که در میان بالایی ها اشاره شد، خواست اولیه مردم انقلابی در عراق کنار رفتن حکومت عراق، انحلال پارلمان و خروج کامل جمهوری اسلامی از این کشور است. بدون شک با عملی شدن و یا به پیروزی رسیدن انقلاب مردم عراق و دست یابی به خواسته هایشان، نیازی به وجود هیچ نیروی خارجی در عراق نخواهد بود و مردم با اتکا به شوراها منتخبا خود قادر خواهند بود اداره امور جامعه عراق را به گونه ای که بتوانند الگویی برای کشورهای منطقه باشد بر عهده بگیرند و سازمان دهد. شرط اولیه این کار بیرون راندن جمهوری اسلامی از طریق انقلاب شکوهمند مردم عراق ممکن خواهد شد.

۴ ژانویه ۲۰۲۰

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



مردم سقز یاد مینا شیخی عزیز از جانب‌اختگان اعتراضات آبانماه را گرامی داشتند

روز ۵ دیماه مردم شهر سقز در میان تدابیر شدید امنیتی مراسم یادمان مینا شیخی، خواهر جان باختگان کمونیست محمدمین شیخی و محمد شیخی، در محل دفن این انسان شریف و دوست داشتنی در آرامستان آچی با حضور پر شور دوستان و عزیزان و جمعیت وسیع مردم مبارز و انقلابی سقز برگزار شد. خانواده مینا شیخی توسط اطلاعات و فرمانداری سقز مورد تهدید قرار گرفته بودند که مراسم برگزار نکنند. علیرغم این مراسم با شرکت ۴۰۰ نفر برگزار شد و متنی پر شور علیه جنایات حکومتی که سرشار از وحشیگری و قتل و غارت و به فلاکت رساندن مردم است، قرائت شد که در آن از مجامع جهانی خواسته شده بود جمهوری اسلامی و جنایتش را محکوم کنند و خواهان محاکمه آمرین و مسببین این کشتارهای کور و بزدلانه شوند. در این بیانیه با دیگر جانب‌اختگان مردم اعلام همبستگی شده بود. در پایان مراسم بزرگداشت مینا شیخی عزیز به احترام همه جانب‌اختگان اعتراض آبانماه ۹۸ و جانب‌اختگان سنگر مبارزه با حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی یک دقیقه سکوت اعلام گردید.

جسد یکی از فعالین زیست محیطی مهاباد که از هفته پیش ناپدید شده بود، در حد فاصل بوکان به مهاباد کشف شد.

بامداد روز یکشنبه ۱۵ دی ۹۸ (۵ ژانویه ۲۰۱۹)، جسد خدیجه خدیروز فعالین زیست محیطی مهاباد در حد فاصل بوکان و مهاباد کشف شده است. خدیجه خدیروز روز چهارشنبه هفته گذشته پس از خروج از منزل ناپدید شده بود و چندین هیئت کوهنوردی از آن زمان برای یافتن وی در ارتفاعات اطراف مهاباد مشغول جستجو بوده‌اند. پلیس مهاباد از طریق فیلم دوربین های مدار بسته توانسته است که رد خدیجه خدیروز را بیابد. به گفته وی، این فعال زیست محیطی روز چهارشنبه پس از خروج از منزل سوار اتومبیل یکی از همسایگان خود شده و وی پس از به قتل رساندن و سرقت طلا و جواهراتش، جسد او را در مسیر بوکان به مهاباد دفن کرده بود. خبرها حاکی از آن می باشد که قاتل به قتل خدیجه خدیروز اعتراف کرده است.

نگاهی آماری به نقض حقوق و وضعیت زنان در کردستان در سال ۲۰۱۹

در این گزارش به ۷۶ مورد نقض حقوق زنان در کردستان اشاره شده است که مواردی از جمله بازداشت، محکومیت به زندان، احضار به اداره اطلاعات و دادگاهها، وضعیت زندانیان سیاسی زن، احکام اعدام و شلاق، خروج اجباری از ایران، کشته و زخمی شدن بر اثر انفجار مین و مرگ بر اثر سهل‌انگاری پزشکی را شامل می‌شود. همچنین در این گزارش به ۱۴۰ مورد خودکشی زنان و ۳۳ مورد کشته و زخمی شدن زنان در کردستان در سال ۲۰۱۹ اشاره شده است. با توجه به نبود هیچ آمار دقیقی از وضعیت زنان در ایران و علی‌الخصوص وجود فضای امنیتی این آمار بسیار بالاتر از این می‌باشد و این گزارش تنها به مجموع مواردی از نقض حقوق زنان در کردستان اشاره دارد که در رسانه‌های معتبر رسانهای شده‌اند.

عدم رسیدگی درمانی برای پروین محمدی

روز پنجشنبه پروین محمدی هنگام رفتن به سمت کارگاه به زمین افتاده و از ناحیه سر و صورت دچار آسیب و کبودی میشود. شب قبل محوطه زندان شستشو شده بود و به دلیل سرما یخزده و لغزنده بوده است و همین باعث وقوع این اتفاق شده است. پروین محمدی همچنین دچار تاری دید شده و سردرد شدیدی متحمل شده که مسئولین زندان در انتقال وی به بیمارستان به جهت درمان تعلل می‌نمایند که نهایتاً ساعت ۲ بعد از ظهر به دنبال اعتراض شدید پروین محمدی، وی را با دستبند و پابند به بیمارستان منتقل می‌نمایند و پس از انجام سی تی اسکن از ایشان، بدون انجام هیچ نوع درمانی او را به بند برمیگردانند. لازم به ذکر است که پروین محمدی بخاطر شرایط بسیار بد داخل بند طول روز را در کارگاه به انجام کار می‌گذراند تا از فضای پر تنش و مخاطر آمیز داخل بند دور باشد. پروین محمدی نائب رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران از روز ۱۶ آذر زندانی شده و دوران حکم یکسال حبس را سپری می‌کند. کارگران و فعالین سیاسی زندانی بر طبق قوانین داخلی بایست در بند مخصوص زندانیان سیاسی نگهداری شوند اما پروین و بسیاری از زندانیان سیاسی در بند جرایم عمومی قرار دارند. مسئولیت سلامتی زندانیان تماماً به عهده نهادهای دولتی بوده و مسئولین قضایی و دولتی باید امکانات درمانی را سریعاً در اختیار زندانیان قرار دهند. اتحادیه آزاد کارگران ایران- ۱۴ دی ۹۸

تعیین زمان و شعبه دادگاه تجدیدنظر یاسمن آریانی، منیره عربشاهی و مژگان

جلسه دادگاه تجدیدنظر یاسمن آریانی، منیره عربشاهی و مژگان کشاورز، سه فعال عرصه نه به حجاب اجباری محبوس در زندان اوین در تاریخ ۱۶ دی ماه امسال در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به ریاست قاضی حسن بابایی برگزار خواهد شد. این فعالین در مرحله بدوی مجموعاً به ۵۵ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده بودند. در صورت تأیید این حکم و با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۱۰ سال حبس از بابت اتهام تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا در خصوص هر یک از متهمان قابل اجرا خواهد بود. بر اساس رای شعبه ۲۸ دادگاه اسلامی به ریاست قاضی محمد مقیسه یاسمن آریانی، منیره عربشاهی و مژگان کشاورز هرکدام به اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال حبس تعزیری، از بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری و از بابت اتهام تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا" به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شدند. علاوه بر این اتهامات مژگان کشاورز از بابت اتهام توهین به مقدسات نیز به ۷ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده است. در صورت قطعی شدن این حکم و با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مجازات اشد یعنی ۱۰ سال حبس تعزیری از بابت اتهام تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا در خصوص هر یک از متهمان قابل اجرا خواهد بود. امیر رئیسین وکیل مدافع یاسمن آریانی و منیره عربشاهی پیشتر در این باره گفته بود در جریان این پرونده، نه در مرحله بازپرسی در دادسرا و نه در جلسات دادگاه به هیچ عنوان اجازه ورود به وکلاداده نشده است. هدف جمهوری اسلامی از احکام سنگین و بازداشت‌های طولانی ایجاد ترس و جدا کردن فعالین از جامعه می باشد اما نه تنها موفق نبوده بلکه جنبش سرنگونی هر روز با سرعت بیشتر پیشروی می کند.

بازداشت سپیده فرهان

سپیده فرهان بازداشت و جهت تحمل حبس به زندان اوین منتقل شد سپیده فرهان، از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶، روز چهارشنبه ۱۱ دی ۹۸ بازداشت و جهت تحمل دوره محکومیت خود به زندان اوین منتقل شد. وی پیشتر توسط دادگاه انقلاب تهران به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده بود و این حکم در دادگاه تجدیدنظر به ۲ سال حبس تعزیری کاهش یافت.

آتنا دانمی را به زندان اوین منتقل کردند.

آتنا دانمی از اوین طی یک تماس تلفنی با خانواده‌اش از انتقال خود به بازداشتگاه اطلاعات سپاه موسوم به بند ۲ الف اوین خبر داد. پیشتر دادیار ناظر بر زندان اوین در گفتگو با خانواده آتنا، ضمن تأیید انتقال او به مکانی نامعلوم از احتمال گشایش پرونده جدیدی علیه او خبر داده بود. این انتقال در پی تحصن ۸ تن از زنان زندانی سیاسی در بند زنان زندان اوین به ناوهای منیره عربشاهی، نرگس محمدی، یاسمن آریانی، صبا کردافشاری، آتنا دانمی، مژگان کشاورز، سمانه نوروز مرادی و سهیلا حجاب به مناسبت چهلمین روز و در همراهی با خانواده‌های دادگذار اعتراضات سراسری آبان صورت گرفته است. از میان این افراد نرگس محمدی، فعال حقوق بشر محبوس نیز روز سششنبه ۳ دی ماه همراه با خشونت و ضرب و شتم به زندان زنجان تبعید شده بود. انسیه دانمی، خواهر این فعال سیاسی با انتشار یادداشتی در توئیتر از این تماس تلفنی خبر داده و نوشت: "همین الان ساعت ده و چهل و پنج دقیقه شب آتنا از بند دو الف اطلاعات سپاه تلفن کرد، حالش خوبه."

دادگاه بدوی پرونده جدید لیلا حسین‌زاده ۴ دی برگزار می‌شود

لیلا حسین‌زاده فعال صنفی-دانشجویی و دانشجویی و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، که در جریان وقایع دی ماه ۹۶ بازداشت و به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد و اتهامات این پرونده در دادگاه تجدیدنظر تماماً تأیید و با کاهش اشد مجازات سی ماه حبس تعزیری آن اجرایی شد. برخلاف ادعای وزیر علوم مبنی بر اینکه هیچ دانشجویی مربوط به اتفاقات ۹۶ در زندان نیست، لیلا حسین‌زاده نه تنها از ۶ مرداد ماه، بیش از پنج ماه است که برای اجرای حکم در زندان به سر می‌برد بلکه پرونده جدیدی برای او تشکیل شده که به گفته وکیل وی اتهام آن اجتماع و تبانی علیه نظام و مصداق آن شرکت در تولد محمد شریفی مقدم است.

بازی میترا حجازیپور در مسابقات جهانی بدون حجاب اسلامی

میترا حجازیپور عضو تیم ملی ایران در مسابقات جهانی شطرنج سریع و برق‌آسای جهان به میزبانی مسکو، بدون حجاب اسلامی به مصاف حریفانش رفت. امتناع یک ورزشکار زن ملی‌پوش از رعایت حجاب در حین برگزاری رقابت‌های جهانی، اقدام بی‌سابقه‌ای در نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این مسابقات علیرضا فیروزجا با خروج از ذیل پرچم ایران، به نام فدراسیون جهانی مبارزه کرد اما میترا حجازیپور عضو تیم ملی ایران است. وزارت ورزش از اعزام تیم مردان ایران به خاطر حضور تیم ملی اسرائیل جلوگیری کرد. اما با توجه به عدم حضور اسرائیل در رقابت‌های زنان، ملی‌پوشان زن ایران به روسیه اعزام شدند.

اطلاعیه های خبری حزب

هراس جمهوری اسلامی از گسترش اعتراضات سراسری کارگری زمنه های اعتراض در میان پرستاران



- خبرها از بلند شدن زمنه های اعتراض در میان کارگران قرارداد موقت صنعت نفت که بخش بزرگ کارگران شاغل در این صنعت را در بر میگیرد، حاکی است. وزارت نفت در هراس از سر بلند کردن اعتراضات در این بخش کلیدی اقتصادی طی بیانیه ای تحت عنوان "صدای کارگران را می شنویم" با قول رسیدگی به مشکلات کارگران تلاش دارد اوضاع را آرام کند. اعتراض به قراردادهای برده وار کاری، دستمزد برابر در برابر کار مساوی به تمام کارگران قراردادی و رسمی، توقف اخراج ها، پرداخت ب موقع دستمزدها و افزایش سطح آن، توقف بیکارسازی ها و داشتن امنیت شغلی از جمله موضوعات مهم اعتراضات این کارگران است. در بخشی از بیانیه وزارت نفت چنین آمده است: "با توجه به بازتاب بعضی از گزارشها و گلّه مندیها در ارتباط با اجرای مصوبه های یادشده، در نظر است به موازات بررسی نحوه و زمان اجرای مصوبه ها توسط حوزه های اداری و منابع انسانی شرکتهای اصلی و فرعی، موضوع چگونگی اجرا از منظر کارکنان مشمول نیز مورد رصد قرار گرفته تا بتوان با رفع مشکلات و تنگناها به رضایتمندی بیشتری نائل شد. بنابراین معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی آمادگی دارد از طریق پایگاه خبری شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (شان) در جریان مسائل و مشکلات اجرایی کارکنان قراردادی مدت موقت قرار گرفته و پس از طبقه بندی مسائل، مراتب اقدامهای بعدی دوباره اطلاع رسانی خواهد شد". هراس حکومت اسلامی از برپا شدن اعتراضات سراسری در مراکز مختلف کارگری و بویژه در میان کارگران صنعت نفت این شاهراگ اقتصادی حکومت اسلامی بسیار آشکار است.

- صبح روز ۱۱ دیماه جمعی از پرستاران مشهد، در اعتراض به عدم پرداخت معوقات کارانه و عدم اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری و سطح نازل حقوقهایشان مقابل استانداری تجمع کردند. این پرستاران نزدیک به ۱۴ ماه کارانه معوقه دارند که علیرغم وعده مسئولان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در پی اعتراضات پرستاران در ۱۲ مرداد ماه، محقق نشده است. به گفته پرستاران پرداختهای اضافه کاری و کارانه پرستاران بدون هیچگونه شفافیتی در طرح "فاصدک" صورت میگیرد که موجب اعتراض پرستاران شده است. هم اکنون همچون دیگر بخش های جامعه زمنه های اعتراض در میان پرستاران بخاطر کاهش هر روزه قدرت خریدشان و شرایط سخت و طاقت فرسای کار بالاست. فشار سنگین کاری بر روی پرستاران، ساعات طولانی شیفت های کار و کمبود پرستار کافی در بیمارستانها، اضافه کاری های اجباری، سطح پایین استانداردهای بهداشتی بیمارستانها، دستمزدهای ناچیز و

قراردادهای موقت و پیمانی از جمله معضلات پرستاران است که بارها نسبت به آن اعتراض کرده اند. خواسته های پرستاران مستقیما به سطح استاندارد درمان در جامعه مربوط است و باید با وسیعترین حمایتها از جانب مردم پاسخ گیرد.

پیش بسوی اعتصابات
پیش بسوی شوراها سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ دیماه ۹۸، ۱ ژانویه ۲۰۲۰

اطلاعیه خبری دیماه: سه خیر از اعتراضات کارگری

- روز ۱۱ دیماه کارگران کارخانه کنتورسازی ایران در اعتراض به تعویق پرداخت ۲۶ ماه حقوق دست به اعتصاب زده و تجمع کردند. به گفته کارگران از ابتدای آبان سال جاری که فعالیت تولیدی این کارخانه از سر گرفته شده است، با آزادسازی قطعات و محصولات خریداری شده این کارخانه از گمرک، حدود ۱۲ هزار کنتور تولید کرده اند ولی کارفرما تحت عنوان اینکه فروشی نداشته است و وزارت نیرو که پیش از این خریدار محصولات این کارخانه بوده در حال حاضر کنتورهای مورد نیاز خود را از دلان واسطه های خریداری می کند مزد کارگران را بالا کشیده و جوابی نمیدهد. بدین ترتیب کارگران قربانی این بساط دزدسالار و چپاول شده اند. مطالبات کارگران کنتور سازی مربوط به شش ماه حقوق سال ۹۵ به همراه عیدی و پاداش، چهار ماه مزد سال ۹۶، شش ماه مزد سال ۹۷ و هشت ماه مزد سال جاری آنهاست. این کارگران بیش از ۱۵ سال سابقه کار دارند.

- صبح روز دهم دی ماه کارگران کارخانه کک سازی و پالایش قطران زرنند در اعتراض به تبدیل وضعیت از دائمی به موقت و اعمال فشار اقتصادی به کارگران برای امضای قرارداد موقت دست از کار کشیده و در محل مجتمع که در ۷ جاده زرنند - کرمان قرار دارد، تجمع کردند. به گفته این کارگران تحت عنوان خصوصی سازی تعرض زیادی به وضعیت معیشتشان شده و از جمله برخی مزایای شغلی شان قطع شده است.

- روز ۹ دی به دنبال اعتراضات چند روز ۴۰۰ کارگر کارخانجات تولید تراورس در ناحیه راه آهن کرج، کارفرمای شرکت پیمانی «تراورس» دو ماه از مطالبات معوقه کارگران را پرداخت کرد. این کارگران دو ماه دیگر مزد خود را طلب دارند. همچنین از پرداخت حق لباس کارگران که هر شش ماه یکبار داده می شد هم خبری نیست. این کارگران موقتا به اعتراض خود خاتمه داده و اعلام کرده اند که اگر باقی طلبهایشان پرداخت نشود، اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت. به گفته کارگران علاوه بر مطالبات مزدی، بخشی از مشکلات کارگران مربوط به پرداخت نشدن حق بیمه از جانب کارفرما به سازمان تامین اجتماعی بود که هیچ خبری از پرداخت آن نیست. بعلاوه اینکه یکی از معضلات کارگران کارخانجات تولید تراورس ناحیه راه آهن نداشتن امنیت شغلی به سبب داشتن قراردادهای کوتاه مدت است که باعث تشدید نگرانیها شده است.

پیش بسوی اعتصابات
پیش بسوی شوراها سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ دیماه ۹۸، ۲ ژانویه ۲۰۲۰

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Plus Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
M. Eli
Commerzbank
Kontonr: 727634800
BLZ: 60040071
IBAN: DE84600400710727634800
BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVMN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 477981
BIC: NWBK GB 2L

سوئالی دارید می توانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:
آدر پویا: ۰۰۴۶۷۳۰۵۶۶۶۱۴
azar_poya@hotmail.com

سولماک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۰۹۸۶۸۰۵۱
siabahari@gmail.com

از آمریکا و شمالی:
سکار نوریزاد: ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۶۲۷۱
sa_armorizad@yahoo.com

از کلدان:
بلیک یزدی: ۰۰۱۴۱۴۶۴۷۱۷۱۳۸
babakyazdi2@gmail.com

از ایران:
شاهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۳۵۵۶۳۴۴۲
shahla.daneshfar2@gmail.com

آدرس تماس با دفتر مرکزی
حزب: markazi.wpi@gmail.com

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

تلفن و ای میل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!